

کتاب سوم

دینکرد

تدوین کنندگان پیشین:

آذر قَرْنِ بَغ پسر فرخزاد

آذر باد پسر امید

بازسازی فرشتار پهلوی

آوانویسی، ترجمه و یادداشت‌ها

بر پایه‌ی دینکرد چاپ مازان

(گزارش گونه‌ای از آموزه‌های اِشراقی دینکردایی)

فریدون فضیلت

نشر برسم

تهران ۱۳۹۹

BRSM

نشر برسم



عنوان قراردادی

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

: دینکرد، کتاب سوم، فارسی - پهلوی.

: Dinkard, Book 3, Persian - Pahlavi.

: کتاب سوم دینکرد : گزارش‌گونه‌ای از آموزه‌های اشرافی دین مزدایی/آندون‌کنندگان

: پیشین آذرفرنبغ پسر فرخزاد، آذرباد پسر امید : بازسازی نوشتار پهلوی، اول نویسی،

: ترجمه، یادداشت‌ها بر پایه دینکرد چاپ مدن فریدون فضیلت.

: تهران: انتشارات برسم، ۱۳۹۹.

: ۱۴۵۱ص.

: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۸۱-۳-۴

: فیبا

: گزارش‌گونه‌ای از آموزه‌های اشرافی دین مزدایی.

: آندون‌نامه‌های پهلوی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

: Maxims, Pahlavi -- Early works to ۲۰th century

: اخلاق زردشتی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

: Zoroastrian ethics -- Early works to ۲۰th century

: آذرفرنبغ فرخزادان، قرن ۲، گردآورنده

: آذربادایمیدان، قرن ۹، گردآورنده

: فضیلت، فریدون، ۱۳۲۸، مترجم

: Fazilat, Fereidoun

: PIR۲۰۶۵

: ۴۰/۱۶۰

: ۶۲۲۳۲۱۴

کتاب سوم دینکرد

مدون‌کنندگان پیشین: آذرفرنبغ پسر فرخزاد، آذرباد پسر امید

بازسازی نوشتار پهلوی، اول نویسی، ترجمه، یادداشت‌ها بر پایه دینکرد چاپ مدن: فریدون فضیلت

تعداد کپی: ۱۰۰۰
نویت چاپ نخست ۳۹۹ ویراست دوم
شماره: ۱۰۰۰
آماده سازی: کرچ - خست کچیو: بر گمهر
طراح روی جلد: راتانر - هنادی
صفحه بندی و امور گرافیکی: مریم زرنگر
سرپرست فنی چاپ: مهندس حسین موسوی
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۸۱-۳-۴

قیمت: ۴۵۰/۰۰۰ تومان

...تهران، میدان رسالت، خیابان هنگام، خیابان قزوینی، پ ۶۶.

کد پستی: ۱۶۸۱۶۳۷۳۱۱ / تلفن: ۰۹۱۹۳۳۹۰۳۳۴ / ۰۲۱۷۷۲۰۷۰۹۴

www.dinazdehnadi@yahoo.com

AWN.

نشر بوسم

حقوق مادی این اثر متعلق به مولف است.

[۱۹]	سخن گزارشگر.....
[۲۳]	نامک‌شناسی (کتاب‌شناسی).....
[۲۷]	معرفی برخی نشانگان زبان‌شناسی.....
[۲۹]	سیاس‌نامه.....

کتاب سوم دینکرد

[۳۳]	دیباچه‌ی هیربد.....
------	---------------------

دوازده ایراد (پرسش) یک آشموع

[۳۶]	کرده‌ی یکم (پرسش سوم).....
[۴۱]	کرده‌ی دوم (پرسش چهارم).....
[۴۴]	کرده‌ی سوم (پرسش پنجم).....
[۴۸]	کرده‌ی چهارم (پرسش ششم).....
[۵۰]	کرده‌ی پنجم (پرسش هفتم).....
[۵۴]	کرده‌ی ششم (پرسش هشتم).....
[۵۷]	کرده‌ی هفتم (پرسش نهم).....
[۶۱]	کرده‌ی هشتم (پرسش دهم).....
[۶۳]	کرده‌ی نهم (پرسش یازدهم).....
[۶۶]	کرده‌ی دهم (پرسش دوازدهم).....

شانزده پرسش (پرسش) روز (طلبه)

[۶۹]	کرده‌ی یازدهم (پرسش یکم).....
[۷۱]	کرده‌ی دوازدهم (پرسش دوم).....
[۷۳]	کرده‌ی سیزدهم (پرسش سوم).....
[۷۶]	کرده‌ی چهاردهم (پرسش چهارم).....
[۷۸]	کرده‌ی پانزدهم (پرسش پنجم).....
[۸۰]	کرده‌ی شانزدهم (پرسش ششم).....
[۸۲]	کرده‌ی هفدهم (پرسش هفتم).....
[۸۴]	کرده‌ی هجدهم (پرسش هشتم).....
[۸۶]	کرده‌ی نوزدهم (پرسش نهم).....
[۸۸]	کرده‌ی بیستم (پرسش دهم).....
[۹۱]	کرده‌ی بیست و یکم (پرسش یازدهم).....
[۹۳]	کرده‌ی بیست و دوم (پرسش دوازدهم).....
[۹۶]	کرده‌ی بیست و سوم (پرسش سیزدهم).....
[۹۹]	کرده‌ی بیست و چهارم (پرسش چهاردهم).....
[۱۰۱]	کرده‌ی بیست و پنجم (پرسش پانزدهم).....
[۱۰۳]	کرده‌ی بیست و ششم (پرسش شانزدهم).....

^۱ شماره‌زنی صفحات در بخش فهرست مطابق است با شماره‌های سرتاسری متن پایین صفحات درون قلاب.

- کرده‌ی بیست و هفتم (بُن پاره‌های متضاد سازنده‌ی زمان) [۱۰۵]
- کرده‌ی بیست و هشتم (بُن پاره‌های خودی و بیگانه‌ی ایران‌شهر) [۱۱۴]
- کرده‌ی بیست و نهم (عناصر سازگار با سرزمین‌های برون‌مرزی ایران‌شهر) [۱۱۶]
- کرده‌ی سیام (انواع فراتری و فروتری مردمان بر مبنای انواع امتیازها) [۱۱۹]
- کرده‌ی سی و یکم (کوشندگان در نکوگرایی و کوشندگان در نایککاری) [۱۲۱]
- کرده‌ی سی و دوم (الف): (پشتیبانی از ایزدان و فرو نهادن از پشتیبانی ایزدان) [۱۲۳]
- کرده‌ی سی و دوم (ب): (سود راست‌گویی و زیان دروغ‌گویی) [۱۲۴]
- کرده‌ی سی و سوم (کسی که بازمی‌گردد از گناه و روی می‌کند به ثواب) [۱۲۶]
- کرده‌ی سی و چهارم (آن دینی که به میل ایزدان یا دیوان است) [۱۲۸]
- کرده‌ی سی و پنجم (نخستین آورنده‌ی بهدین) [۱۳۰]
- کرده‌ی سی و ششم (پرهیز مزدایان از خلق و خوی دیوپرستان) [۱۳۳]
- کرده‌ی سی و هفتم (شهربار برتر، فروتر و هم‌پایه، به نسبت زیردستان خود) [۱۳۶]
- کرده‌ی سی و هشتم (سر آهر شادی و رنج) [۱۳۸]
- کرده‌ی سی و نهم (های رستگاری یا سرافکنندگی مردمان) [۱۳۹]
- کرده‌ی چهلیم (پیشینی و پیشینی، بدن وجود و تجلی وجود) [۱۴۱]
- کرده‌ی چهل و یکم (بذل، بخشش، گان، و امنیت پذیرندگان آن دهنش) [۱۴۵]
- کرده‌ی چهل و دوم (مهرورزی، ری‌طن، آسرونی بر دیگر طبقات) [۱۴۷]
- کرده‌ی چهل و سوم (شیوه‌ی از تن و پیش کردن همه، نیکی‌های دوجهان) [۱۵۰]
- کرده‌ی چهل و چهارم (خیز برداشتن به ایزدان در سرکوب پشواره‌ها) [۱۵۱]
- کرده‌ی چهل و پنجم (خاستگاه تباهی مردم، در جان رتن و به چیز) [۱۵۴]
- کرده‌ی چهل و ششم (وظایف شهرباران در برابر مردم) [۱۵۷]
- کرده‌ی چهل و هفتم (آن کس که سزاوار است بر او کینه و دشمنی) [۱۶۲]
- کرده‌ی چهل و هشتم (انواع متضادان با آفریدگان/اورمزدی) [۱۶۴]
- کرده‌ی چهل و نهم (زمان سامان گرفتن شادی ایزدان پاک‌میتوی) [۱۶۷]
- کرده‌ی پنجاهم (هر کس مقام‌آش بالاتر است کار نیک با بد‌آش مؤثرتر است) [۱۷۰]
- کرده‌ی پنجاه و یکم (دسته‌های هستونندان) [۱۷۴]
- کرده‌ی پنجاه و دوم (اداره‌ی داد‌گراانه با کمک دین) [۱۸۰]
- کرده‌ی پنجاه و سوم (راه رستگاری یا سرافکنندگی آدمیان) [۱۸۲]
- کرده‌ی پنجاه و چهارم (طرح پایانی مردم، از هر طبقه‌ای) [۱۸۴]
- کرده‌ی پنجاه و پنجم (مسأله پرسیدن یک دین آموز از هیرید) [۱۸۶]
- کرده‌ی پنجاه و ششم (پاسخ هیرید به آن هفت مسأله‌ی دین آموز) [۱۸۷]
- کرده‌ی پنجاه و هفتم (دانایی، از آفرینش، با دین مزدایی یکی ست) [۱۸۹]
- کرده‌ی پنجاه و هشتم (هم‌گنی شهرباری و دین) [۱۹۱]
- کرده‌ی پنجاه و نهم (مراتب گرایش‌های نیک و بد نزد مردمان) [۱۹۳]
- کرده‌ی شصتم (خداوندگاری مردم بر خود شان) [۱۹۵]
- کرده‌ی شصت و یکم (راه‌های تجلی ذات زردارمینو در گیتی) [۲۰۳]
- کرده‌ی شصت و دوم (خاستگاه رسیدن دانش و رامش) [۲۰۷]
- کرده‌ی شصت و سوم (اندازه‌ی نیروی مردم در پذیرش رامش) [۲۰۹]
- کرده‌ی شصت و چهارم (افراط و تفریط دانش و رامش نزد مردم) [۲۱۳]
- کرده‌ی شصت و پنجم (انواع مردم با مواجهه با بهدین) [۲۱۸]
- کرده‌ی شصت و ششم (رسیدن یا نرسیدن باری ایزدان میتوی به جهانیان) [۲۲۰]

- کرده‌ی شصت و هفتم (برگزیده‌تر بودن نیت بر گفتار و سپس کردار)..... [۲۲۴]
- کرده‌ی شصت و هشتم (دو شیوه‌ی اداره‌ی در دو گونه‌ی زمانه)..... [۲۲۶]
- کرده‌ی شصت و نهم (کار مهتر و کار میانه و کار کهتر)..... [۲۳۴]
- کرده‌ی هفتادم (شرایطی که بددینان از بهدینان می‌توانند ثواب دریافت کنند)..... [۲۳۹]
- کرده‌ی هفتاد و یکم (نشانگان بهترین یا بدترین مردان)..... [۲۴۲]
- کرده‌ی هفتاد و دوم (کدام دسته از زنان را می‌توان به همسری گزید)..... [۲۴۴]
- کرده‌ی هفتاد و سوم (شیوه‌های مدیریت /ورمزد بر آفریده‌ها)..... [۲۴۶]
- کرده‌ی هفتاد و چهارم (لایه‌های سه‌گانه‌ی آسمان)..... [۲۴۹]
- کرده‌ی هفتاد و پنجم (شاکله‌ی هر آن ثواب و گناه)..... [۲۵۴]
- کرده‌ی هفتاد و ششم (اِزارهای خِرَد و بوالهوسی، و مُلازمین آن‌ها)..... [۲۵۷]
- کرده‌ی هفتاد و هفتم (از راه ماهیت ایزد می‌باید پی به وجود او برد)..... [۲۶۱]
- کرده‌ی هفتاد و هشتم (قانون بخشایش به شیوه‌ی دین مزدایی)..... [۲۶۴]
- کرده‌ی هفتاد و نهم (نامه‌ی بار اعمار روان مردمان در آخرت)..... [۲۶۹]
- کرده‌ی هشتادم (در بابی خُش و دُش)..... [۲۷۲]
- کرده‌ی هشتاد و یکم (دستور نیایش روزانه دین مزدایی)..... [۲۹۱]
- کرده‌ی هشتاد و دوم (انواع علل مری و گیش)..... [۲۹۵]
- کرده‌ی هشتاد و سوم (دو شیوه‌ی هدیه‌ی نام و بخش آفریده‌های گیتی)..... [۳۰۰]
- کرده‌ی هشتاد و چهارم (فرمانده‌ی سپندمیسر بر زردان‌تر)..... [۳۰۲]
- کرده‌ی هشتاد و پنجم (گونه‌های دین‌دوستی و درری متر بر آن‌ها)..... [۳۰۴]
- کرده‌ی هشتاد و ششم (مقصد کوشش و برهیزگاری فرزنانگان)..... [۳۰۵]
- کرده‌ی هشتاد و هفتم (اندازه‌های هم‌داستانی با دین مزدایی)..... [۳۰۷]
- کرده‌ی هشتاد و هشتم (آنچه دین مزدایی را می‌بالاند یا به نقصان می‌رساند)..... [۳۱۰]
- کرده‌ی هشتاد و نهم (ملاحظه‌ی رواج‌گیری خرسندی و کوشش)..... [۳۱۲]
- کرده‌ی نودم (دلیل جهان‌آفرین در پاداش یا کیفر مردمان)..... [۳۱۳]
- کرده‌ی نود و یکم (ستایش و سپاس)..... [۳۱۵]
- کرده‌ی نود و دوم (گسترش آن شوربختی زیان‌مند در جهان)..... [۳۱۷]
- کرده‌ی نود و سوم (چرایی پدید آمدن زمین لرزه)..... [۳۱۹]
- کرده‌ی نود و چهارم (قصد مسلم جهان‌آفرین)..... [۳۲۳]
- کرده‌ی نود و پنجم (نشانه‌های آفریده‌های /ورمزدی در جهان)..... [۳۲۶]
- کرده‌ی نود و ششم (گستره، زمانه، پیدایی، آغاز و انجام شهریاری نیک و بد)..... [۳۲۹]
- کرده‌ی نود و هفتم (برترین و بدترین مردمان)..... [۳۳۲]
- کرده‌ی نود و هشتم (نوع احراز شهریار نیکو، هنرهای اخلاقی را)..... [۳۳۵]
- کرده‌ی نود و نهم (مرد توانگر در زمینه‌ی خِرَد)..... [۳۳۸]
- کرده‌ی صد (آنچه را باورآوردن می‌شاید و آنچه را باورآوردن نشاید)..... [۳۳۹]
- کرده‌ی صد و یکم (فضایل زرتشت که پذیرای نگاه /ورمزد شد)..... [۳۴۱]
- کرده‌ی صد و دوم (سودی که از رواج دین مزدایی برخاسته و برمی‌خیزد)..... [۳۴۳]
- کرده‌ی صد و سوم (برترین و بدترین تعابلات مردم)..... [۳۴۶]
- کرده‌ی صد و چهارم (انواع بیماری‌های نفسانی در زمینه‌ی دانش و فرهنگ)..... [۳۴۷]
- کرده‌ی صد و پنجم (سزاوار هستی بودن مینوی روشایی، و سزاوار هستی نبودن مینوی تاریکی)..... [۳۵۰]
- کرده‌ی صد و ششم (انواع شیوه‌های رهبری مردم: از فزاترین تا بدترین)..... [۳۵۵]
- کرده‌ی صد و هفتم (راهی که نزدیک‌ترین بودی به ایزد)..... [۳۵۸]

- کرده‌ی صد و هشتم (وجود و ماهیت ایزد و دیو) [۳۶۳]
- کرده‌ی صد و نهم (سودمندترین و زیانمندترین چیز برای آفریده‌ها) [۳۶۹]
- کرده‌ی صد و دهم (انواع خواستن و یافتن ثواب و انواع گناه ورزی) [۳۷۶]
- کرده‌ی صد و یازدهم (دسته‌بندی آفرینش مردم) [۳۸۱]
- کرده‌ی صد و دوازدهم (درباره‌ی باران) [۳۸۳]
- کرده‌ی صد و سیزدهم (دلیل رسیدن یا نرسیدن به بصیرت) [۳۹۲]
- کرده‌ی صد و چهاردهم (رستگاری پایانی تابندگان و نابودی زدارمینو) [۳۹۵]
- کرده‌ی صد و پانزدهم (شیوه‌های خوب به فرجام آمدن کارها) [۴۰۱]
- کرده‌ی صد و شانزدهم (ایزد پاسبان هوش و خرد) [۴۰۳]
- کرده‌ی صد و هفدهم (سخنان راهنمای بی گناهی) [۴۰۶]
- کرده‌ی صد و هجدهم (شیوه‌ی به دست آوردن شهریاری) [۴۰۸]
- کرده‌ی صد و نوزدهم (چند گواه آشکار در دوسنی بودن ضدین جهان) [۴۱۰]
- کرده‌ی صد و بیستم (معجزه آفرینی اورمزد جهان آفرین) [۴۱۶]
- کرده‌ی صد و بیست و یکم (اراده و اندازه‌شناسی اورمزد) [۴۱۹]
- کرده‌ی صد و بیست و دوم (خاک‌نگاه دیز نیک و بد) [۴۲۱]
- کرده‌ی صد و بیست و سوم (بیست پرسش و پاسخ درباره‌ی جهان) [۴۳۰]
- کرده‌ی صد و بیست و چهارم (درباره مردم گجهانی) [۴۵۳]
- کرده‌ی صد و بیست و پنجم (شاید است احسان به دینان به بهدینی) [۴۵۶]
- کرده‌ی صد و بیست و ششم (در دوسنی بودن انکارناپذیر امور متضاد جهان) [۴۵۹]
- کرده‌ی صد و بیست و هفتم (گوهر و اصل بی‌نیاز از اصل) [۴۶۷]
- کرده‌ی صد و بیست و هشتم (استقرار زندگی مردم در جهان) [۴۶۹]
- کرده‌ی صد و بیست و نهم (سنگین‌ترین نبرد زدارمینو در دنیا) [۴۷۱]
- کرده‌ی صد و سیام (آن اصل برترین) [۴۷۴]
- کرده‌ی صد و سی و یکم (شروط ضروری رسیدن به آگاهی کامل) [۴۷۹]
- کرده‌ی صد و سی و دوم (ادامه‌ی بحث وجود و تجلی وجود) [۴۸۲]
- کرده‌ی صد و سی و سوم (چه زمانی فضایل اخلاقی برترین سود را دارند) [۴۸۵]
- کرده‌ی صد و سی و چهارم (شروط و ابزار شش‌گانه‌ی استقرار شهریاری) [۴۹۳]
- کرده‌ی صد و سی و پنجم (انواع جست‌وجوی فره‌پزدانی، و غفلت از آن) [۴۹۷]
- کرده‌ی صد و سی و ششم (مردم توانمند و ناتوان) [۵۰۴]
- کرده‌ی صد و سی و هفتم (باهم‌آبی و ازهم‌پاشی نیروهای مینوی و گیتیایی) [۵۰۷]
- کرده‌ی صد و سی و هشتم (بن مینوی و زمینی دو نیروی نیک و بد) [۵۱۵]
- کرده‌ی صد و سی و نهم (سرنمون‌های برترین نطفه‌های مردمان) [۵۱۸]
- کرده‌ی صد و چهل (انواع یگانه شدن و جدایی گرفتن مردمان) [۵۲۲]
- کرده‌ی صد و چهل و یکم (دو هنر اخلاقی والا، و دو عیب ضد اخلاقی پست) [۵۲۴]
- کرده‌ی صد و چهل و دوم (وجود واقعی گوهر روشنایی و تاریکی) [۵۲۶]
- کرده‌ی صد و چهل و سوم (حد و اندازه‌ی عهد و پیمان مردم در همه‌ی زمان‌ها) [۵۳۸]
- کرده‌ی صد و چهل و چهارم (فهم نیک و فهم غلط) [۵۴۱]
- کرده‌ی صد و چهل و پنجم (دو زمینه که هدایت درست مردم بر آن است) [۵۴۳]
- کرده‌ی صد و چهل و ششم (غایت نهایی فرزاتگی و چند مفهوم دیگر) [۵۴۵]
- کرده‌ی صد و چهل و هفتم (اجتماع گریزناپذیر علم و اراده و نطق) [۵۴۸]
- کرده‌ی صد و چهل و هشتم (بن و گوهر پیروز در نبرد کیهانی) [۵۵۴]

- کرده‌ی صد و چهل و نهم (معیار نکویی و بدی مردم) [۵۵۶]
- کرده‌ی صد و پنجاهم (باسخ به هرزه‌درآیی‌های یهودی و مانی‌گرا و ماده‌باور) [۵۶۰]
- کرده‌ی صد و پنجاه و یکم (چیرگی یکی از دو عمل نیک یا بد در زمانه) [۵۶۵]
- کرده‌ی صد و پنجاه و دوم (آن کس که با خویشن خدایی خویش جفت هست یا نیست) [۵۶۹]
- کرده‌ی صد و پنجاه و سوم (امکان رسیدن مردم به چکاد فره‌بخشگی) [۵۷۱]
- کرده‌ی صد و پنجاه و چهارم (برافراشتگی دیگرار و ابدی پرچم نیکان) [۵۷۳]
- کرده‌ی صد و پنجاه و پنجم (آنانی که فره‌ی یزدانی شان روبه صعود یا فرود است) [۵۷۶]
- کرده‌ی صد و پنجاه و ششم (آن‌چه دین مزدایی را به شکوفایی با تباهی می‌رساند) [۵۷۹]
- کرده‌ی صد و پنجاه و هفتم (بیست جُستار درباره‌ی پزشکی) [۵۸۱]
- کرده‌ی صد و پنجاه و هشتم (انجام کار ستودنی، و کار نکوهیدنی) [۶۲۷]
- کرده‌ی صد و پنجاه و نهم (مقصد همه‌ی کارها و جهانیان) [۶۳۳]
- کرده‌ی صد و شصتم (جهش‌های چهارگانه‌ی خورشید زی طاق آسمان) [۶۳۵]
- کرده‌ی صد و شصت و یکم (اسم علما در سه دین‌نامه‌ی مقدس دین مزدایی) [۶۴۰]
- کرده‌ی صد و شصت و دوم (پادآفرینش زدارمیتو پتیاره‌ها را) [۶۴۲]
- کرده‌ی صد و شصت و سوم (زرتشت و زرتشت‌وارترین اخلاق) [۶۴۸]
- کرده‌ی صد و شصت و چهارم (ترویج نی‌میتوی میان مردم و خدا) [۶۵۱]
- کرده‌ی صد و شصت و پنجم (اسامی نی‌دایی یک دیگر را تفسیر می‌کنند) [۶۵۳]
- کرده‌ی صد و شصت و ششم (علائم دین و دترین زمانه‌ها) [۶۵۷]
- کرده‌ی صد و شصت و هفتم (نمایش سهم‌برد در ناپودی پابانی‌اش) [۶۵۹]
- کرده‌ی صد و شصت و هشتم (آن‌جایی که مردم، همیشه اندیشه‌شان متوجه بر آن است) [۶۶۲]
- کرده‌ی صد و شصت و نهم (معیار تفاوت نیرنگ ایزد از نرنگی دی‌ی) [۶۶۶]
- کرده‌ی صد و هفتادم (اندازه‌ی مهر پدران بر فرزندان) [۶۷۲]
- کرده‌ی صد و هفتاد و یکم (حقانیت پادش پارسیان و کیفر تبه‌خواران) [۶۷۵]
- کرده‌ی صد و هفتاد و دوم (نسبت ناروای صفت پتیارگی به جهان‌آفرین) [۶۷۸]
- کرده‌ی صد و هفتاد و سوم (در شناخت ریشه از ثمره و ثمره از ریشه) [۶۸۱]
- کرده‌ی صد و هفتاد و چهارم (فاعل مختار آفریدن آدمی) [۶۸۴]
- کرده‌ی صد و هفتاد و پنجم (گناهان مشمول کیفر مرگ‌آرزان) [۶۹۰]
- کرده‌ی صد و هفتاد و ششم (هنرنمایی‌های زاب پسر طهماسب) [۶۹۴]
- کرده‌ی صد و هفتاد و هفتم (خواست مردمان در افزایش نیروی نیکی و زدودن هرگونه سیه‌روزی) [۶۹۸]
- کرده‌ی صد و هفتاد و هشتم (امکان جابه‌جایی امید مردم به زندگی و بیم‌شان از مرگ) [۷۰۱]
- کرده‌ی صد و هفتاد و نهم (علائم برترین شهریاران) [۷۰۵]
- کرده‌ی صد و هشتادم (نیروهای رستگارکننده و سامان‌دهنده‌ی تن و روان) [۷۰۶]
- کرده‌ی صد و هشتاد و یکم (بذل و بخششی که فریضه هست یا نیست) [۷۰۹]
- کرده‌ی صد و هشتاد و دوم (سودمندترین چیزها برای مردم و جهان) [۷۱۱]
- کرده‌ی صد و هشتاد و سوم (سرآمد چاره‌ها و چاره‌نمودار) [۷۱۴]
- کرده‌ی صد و هشتاد و چهارم (منشأ اندیشه‌ورزی معتدلانه و کژپنداری عاری از تعادل) [۷۱۸]
- کرده‌ی صد و هشتاد و پنجم (حد توان جهان‌آفرین در زمینه‌ی شدنی‌ها و نشایدشدنی‌ها) [۷۲۴]
- کرده‌ی صد و هشتاد و ششم (کنش هم‌آوا و باگزینش جهان‌آفرین) [۷۲۶]
- کرده‌ی صد و هشتاد و هفتم (دفاع به‌دینانه از آتش و آب در برابر آلودگی) [۷۲۸]
- کرده‌ی صد و هشتاد و هشتم (هدایت مردم در زمانه‌ی روبه صعود و روبه سقوط) [۷۳۲]
- کرده‌ی صد و هشتاد و نهم (تعریف اعتقاد عمیق به بهدین) [۷۳۵]

- کرده‌ی صد و نودم (ذات و نام بهدینی و بددینی)..... [۷۳۶]
- کرده‌ی صد و نود و یکم (آفرینش و دَهِشِ نیکوی جهان‌آفرین)..... [۷۳۱]
- کرده‌ی صد و نود و دوم (ابزارهای چهارگانه‌ی اورمزد برای چهارده‌تایی)..... [۷۳۵]
- کرده‌ی صد و نود و سوم (خویشن خویش و ذات زمان متناهی)..... [۷۶۱]
- کرده‌ی صد و نود و چهارم (مراحل چهارگانه و واپسین آفرینش)..... [۷۶۸]
- کرده‌ی صد و نود و پنجم (ده اندرز برترین زرتشت پارسا)..... [۷۷۹]
- کرده‌ی صد و نود و ششم (هرزه‌درآیی آخت جادوگر در ستیز با زرتشت پارسا)..... [۷۸۱]
- کرده‌ی صد و نود و هفتم (ده اندرز سین پارسا)..... [۷۸۶]
- کرده‌ی صد و نود و هشتم (هرزه‌درآیی رشوریش آشموغ در ستیز با سین پارسا)..... [۷۹۰]
- کرده‌ی صد و نود و نهم (دوازده اندرز آذرباد ماریسند)..... [۷۹۵]
- کرده‌ی دویستم (هرزه‌درآیی‌های مانی در دشمنی با آذرباد ماریسند)..... [۷۹۸]
- کرده‌ی دویست و یکم (ده اندرز خسرو انوشیروان)..... [۸۰۴]
- کرده‌ی دویست و دوم (دوازده بدکرداری گرگ‌مشنای آشموغ فربیکار)..... [۸۰۸]
- کرده‌ی دویست و سوم (ده جستار در باره‌ی نیکویی و بدی)..... [۸۱۳]
- کرده‌ی دویست و چهارم (دلیل ۱۰۰۰ بودن آوستا و زنده‌آوستا)..... [۸۲۲]
- کرده‌ی دویست و پنجم (دین و دین‌پرستی و دین‌مزدایی)..... [۸۲۴]
- کرده‌ی دویست و ششم (ده دربار و ده‌تایی اورمزد و اهریمن)..... [۸۲۶]
- کرده‌ی دویست و هفتم (درباره‌ی متضاد و ختاف غیر متضاد)..... [۸۳۰]
- کرده‌ی دویست و هشتم (خرد و اراده و زمان و زمان‌رومزد)..... [۸۳۴]
- کرده‌ی دویست و نهم (ارثیه‌ی آفرینشی آدمی)..... [۸۳۷]
- کرده‌ی دویست و دهم (دست‌یابی مردم به فرزاندگی)..... [۸۴۴]
- کرده‌ی دویست و یازدهم (رسیدن هفت فراخی سزاوار مردم)..... [۸۴۶]
- کرده‌ی دویست و دوازدهم (زمانه‌ی رو به تعالی و رو به سقوط برای مردم آزاد بنده)..... [۸۴۹]
- کرده‌ی دویست و سیزدهم (سرور شدن سروان و فرو دست شدن فروستان)..... [۸۵۷]
- کرده‌ی دویست و چهاردهم (ارواح و گسترش به دینی در جهان)..... [۸۶۱]
- کرده‌ی دویست و پانزدهم (شش دسته مردم از نظر گزینش دوستی)..... [۸۶۳]
- کرده‌ی دویست و شانزدهم (درباره‌ی منشأستم و بی‌ستمی و راه جدایی گرفتن از آن)..... [۸۶۶]
- کرده‌ی دویست و هجدهم (آن چه برای جهان و تن و روان و مردم و کارها خوب است)..... [۸۷۱]
- کرده‌ی دویست و هیجدهم (نیروگان مینوی در تن مردم و کارگزاران‌اش)..... [۸۷۲]
- کرده‌ی دویست و نوزدهم (شیوه‌ای که مردم وحی‌های ستوت یسن را از آن خویش می‌کنند)..... [۸۷۸]
- کرده‌ی دویست و بیستم (سودرسان و زیان‌رسان بر تن مردم)..... [۸۸۰]
- کرده‌ی دویست و یکم (کوتهای و درازی زمان)..... [۸۸۲]
- کرده‌ی دویست و بیست و دوم (هفت جستار درباره‌ی ذات مردم)..... [۸۸۳]
- کرده‌ی دویست و بیست و سوم (معیارهای گزینش سالار در هر طبقه)..... [۸۸۷]
- کرده‌ی دویست و بیست و چهارم (سپاس اورمزد را گفتن از بهر بی‌ستمی‌اش)..... [۸۸۹]
- کرده‌ی دویست و بیست و پنجم (پنج گونه پرس و جوی دین)..... [۸۹۳]
- کرده‌ی دویست و بیست و ششم (چه چیزی هر کس را شایسته هست یا نیست)..... [۹۰۰]
- کرده‌ی دویست و بیست و هفتم (بن‌وازه و بن و گوهر بهدینی و بددینی)..... [۹۰۳]
- کرده‌ی دویست و بیست و هشتم (مردم فراخگر سودرسان و تنگی آور زیان‌رسان بر جهان)..... [۹۰۹]
- کرده‌ی دویست و بیست و نهم (پنج جستار درباره‌ی آزمایش و آزمون)..... [۹۱۱]
- کرده‌ی دویست و سی‌ام (نمایدن فرد مزدایی به دین‌بردار موجه است)..... [۹۱۸]

- کرده‌ی دویست و سی و یکم (مستدل است روان را سپاس گفتن از بهر ثواب گرایی). [۹۲۰]
- کرده‌ی دویست و سی و دوم (نیک‌نشان‌ترین و زشت‌نشان‌ترین از مردم در زمینه‌ی فره‌یزدانی). [۹۲۲]
- کرده‌ی دویست و سی و سوم (نوع پذیرفتن و نپذیرفتن امور نامشهود در دیگر دین‌ها). [۹۲۴]
- کرده‌ی دویست و سی و چهارم (انجام دادنی‌ها و انجام ندادنی‌ها). [۹۲۶]
- کرده‌ی دویست و سی و پنجم (اندرون و بیرون تن، و خوش‌بویی و گندناکی جان). [۹۲۸]
- کرده‌ی دویست و سی و ششم (برترینی و بدترینی کشوربانان). [۹۳۰]
- کرده‌ی دویست و سی و هفتم (وامداری مردمان به آفریدگار). [۹۳۲]
- کرده‌ی دویست و سی و هشتم (چارچوب پهلینی و بددینی). [۹۳۴]
- کرده‌ی دویست و سی و نهم (الف): (وجود واقعی ستیزنده بر مخلوقات). [۹۳۶]
- کرده‌ی دویست و سی و نهم (ب): (درخواست موهبت از یزدان). [۹۳۶]
- کرده‌ی دویست و چهل و یکم (معیار فهم مردمان در نسبت با خرد). [۹۳۹]
- کرده‌ی دویست و چهل و یکم (ستایش و پرستش جهان آفرین). [۹۴۲]
- کرده‌ی دویست و چهل و دوم (انا و داناتر و داناترین اندر مردمان). [۹۴۵]
- کرده‌ی دویست و چهل و دوم (پنج جستار درباره‌ی مردم آیینی و دیوآیینی). [۹۴۶]
- کرده‌ی دویست و چهل و چهارم (شان جهان از ماری بی‌عدالتی). [۹۵۰]
- کرده‌ی دویست و چهل و پنجم (کسی که نیک با ناپاکار است). [۹۵۱]
- کرده‌ی دویست و چهل و ششم (اورمزد را نسبت با کس و آشفته‌کاری مردم باد). [۹۵۴]
- کرده‌ی دویست و چهل و هفتم (خاستگاه‌های استوار دانش). [۹۵۷]
- کرده‌ی دویست و چهل و هشتم (زمینه‌ی ارج و بی‌ارج مردمان). [۹۵۹]
- کرده‌ی دویست و چهل و نهم (نماد نشان دانایی و جهل). [۹۶۱]
- کرده‌ی دویست و پنجاهم (روشنایی و تاریکی و گونه‌های آن). [۹۶۳]
- کرده‌ی دویست و پنجاه و یکم (مهم‌تر بودن تن پسین نسبت به بهشت، و گداز هر دو). [۹۶۵]
- کرده‌ی دویست و پنجاه و دوم (برترین چاره برای رسیدن به جهان عاری از خطر). [۹۶۸]
- کرده‌ی دویست و پنجاه و سوم (معنی دانا، دانایی، دانش و دانستن). [۹۶۹]
- کرده‌ی دویست و پنجاه و چهارم (دانشمندی ذاتی فطرت). [۹۷۳]
- کرده‌ی دویست و پنجاه و پنجم (خاستگاه و نیز اندازه‌ی نکوجشمنی و هرزه‌چشمی). [۹۷۵]
- کرده‌ی دویست و پنجاه و ششم (قدرت‌مندی زور نطفه در نهاد مردم). [۹۷۷]
- کرده‌ی دویست و پنجاه و هفتم (فرضه بودن سپاس‌گویی مردم در چهار زمینه). [۹۷۹]
- کرده‌ی دویست و پنجاه و هشتم (مردم، توانا به رهاندن روان‌شان از گناه‌اند). [۹۸۱]
- کرده‌ی دویست و پنجاه و نهم (بخش‌بندی پنج روزه‌ی هر ماه). [۹۸۳]
- کرده‌ی دویست و شصتم (تفاوت رفتار مردم خداخوا و دیونهاد). [۹۸۷]
- کرده‌ی دویست و شصت و یکم (آن چیزی که هر کس را شایسته هست یا نیست). [۹۹۰]
- کرده‌ی دویست و شصت و دوم (بنیادهای راست‌گفتاری برای اصلاح شهر و مردم). [۹۹۱]
- کرده‌ی دویست و شصت و سوم (عناصر سازنده‌ی تن و روان مردم). [۹۹۳]
- کرده‌ی دویست و شصت و چهارم (فراز چاره و آبر-چاره بودن اورمزد). [۹۹۸]
- کرده‌ی دویست و شصت و پنجم (امیدوارترین سود و بیمناک‌ترین زیان بر جهان). [۱۰۰۰]
- کرده‌ی دویست و شصت و ششم (قوه‌ی بصیرت مبنوی مردم). [۱۰۰۲]
- کرده‌ی دویست و شصت و هفتم (آنی که به آغازگاه و سپس به پایانگاه خود بازمی‌گردد). [۱۰۰۷]
- کرده‌ی دویست و شصت و هشتم (اندیشه‌ی اسکان کاروان کرچنده‌ی مردم). [۱۰۱۲]
- کرده‌ی دویست و شصت و نهم (نوع اداره‌ی مردم در جهان مادی و مبنوی). [۱۰۱۴]
- کرده‌ی دویست و هفتادم (حد و مرز جداکننده‌ی مهتری و کهنتری). [۱۰۱۶]

- کرده‌ی دویست و هفتاد و یکم (شیوه‌ی ایجاد نکویی و بدی، و شیوه‌ی ترویج شان)..... [۱۰۱۷]
- کرده‌ی دویست و هفتاد و دوم (چگونه روان بهره‌مند از وجود منور، آلوده به گناه می‌شود)..... [۱۰۲۱]
- کرده‌ی دویست و هفتاد و سوم (واجب بودن شهراری)..... [۱۰۲۵]
- کرده‌ی دویست و هفتاد و چهارم (هفت جُستار درباره‌ی کار و دست کشیدن از کار)..... [۱۰۲۸]
- کرده‌ی دویست و هفتاد و پنجم (ناشمردنی بودن درهای دانایی دینِ مزدایی)..... [۱۰۳۰]
- کرده‌ی دویست و هفتاد و ششم (آفرینش مخلوقات مینوی و گیتیایی)..... [۱۰۳۲]
- کرده‌ی دویست و هفتاد و هفتم (پیش و همراه و پس از کار آفرینشگرانه‌ی خداوند)..... [۱۰۳۴]
- کرده‌ی دویست و هفتاد و هشتم (کلیدی که رساننده‌ی سوی برترین جهان‌هاست)..... [۱۰۳۶]
- کرده‌ی دویست و هفتاد و نهم (نشانه‌ی رسیدن یا نرسیدن شهریاری به نسبِ نژادگان)..... [۱۰۳۸]
- کرده‌ی دویست و هشتادم (شرایط پذیرش سخنِ کمال‌یافته)..... [۱۰۴۰]
- کرده‌ی دویست و هشتاد و یکم (نماد نشانِ پارسایی و فساد اخلاقی)..... [۱۰۴۱]
- کرده‌ی دویست و هشتاد و دوم (منشأ تبار و نطفه‌ی مردمان و شهریارانِ نژاده)..... [۱۰۴۳]
- کرده‌ی دویست و هشتاد و سوم (شهریارانِ سرآمد و بدتر در کارِ شهریاری)..... [۱۰۴۶]
- کرده‌ی دویست و هشتاد و چهارم (محدود بودن دانش و تناهی و عدم تناهی زمان)..... [۱۰۴۹]
- کرده‌ی دویست و هشتاد و پنجم (ثوابی که آن را مزد است و اجرا کردن‌اش واجب)..... [۱۰۵۱]
- کرده‌ی دویست و هشتاد و ششم (پیمان‌های یونان ربودن و جمشید باز آورد)..... [۱۰۵۴]
- کرده‌ی دویست و هشتاد و هفتم (ده روزِ جمِ خوب‌رَمه به مردمان)..... [۱۰۵۹]
- کرده‌ی دویست و هشتاد و هشتم (ده پادشاه که در ضدیت با جم)..... [۱۰۶۲]
- کرده‌ی دویست و هشتاد و نهم (عطیه‌ی شهریارانِ نیک و بدی که بر آن است)..... [۱۰۶۷]
- کرده‌ی دویست و نودم (تعریف دادوری و آدابِ به‌طاعت)..... [۱۰۷۰]
- کرده‌ی دویست و نود و یکم (بخشاینده‌گی و تواناییِ نریدن در قبال آفریده‌های شوریخت)..... [۱۰۷۲]
- کرده‌ی دویست و نود و دوم (منشأ جدای عدالت از ظلم)..... [۱۰۷۵]
- کرده‌ی دویست و نود و سوم (وجود شر در میان آفریدگان، برآمده از مریدگار نیست)..... [۱۰۷۸]
- کرده‌ی دویست و نود و چهارم (تمایل مردم و ابزد در شناختنِ همدیگر)..... [۱۰۸۰]
- کرده‌ی دویست و نود و پنجم (پنج خصلتِ دروچی سرِ راهِ مردم)..... [۱۰۸۲]
- کرده‌ی دویست و نود و ششم (ذاتِ مردمان)..... [۱۰۸۷]
- کرده‌ی دویست و نود و هفتم (خلاصه‌ی همه‌ی کارها از دید و نگاهِ دینِ مزدایی)..... [۱۰۸۹]
- کرده‌ی دویست و نود و هشتم (دانشی بگه که آفریدگان با آن متعالی می‌شوند)..... [۱۰۹۱]
- کرده‌ی دویست و نود و نهم (تنظیم و ترتیبِ اصولی کرده‌های دینکرد)..... [۱۰۹۲]
- کرده‌ی سیصدم (پنج زمینه در موضوعِ اعتدال، افراط و تفریط)..... [۱۰۹۴]
- کرده‌ی سیصد و یکم (درآمدن و رسیدن به دینِ نیک و بد)..... [۱۰۹۶]
- کرده‌ی سیصد و دوم (قضاوت و معیارِ داورِ مینوی و داورِ گیتیایی)..... [۱۰۹۸]
- کرده‌ی سیصد و سوم (شیوه‌ی اثباتِ درستیِ سخن)..... [۱۱۰۰]
- کرده‌ی سیصد و چهارم (پارساییِ مینوی بر شریعتِ دینِ مزدایی)..... [۱۱۰۲]
- کرده‌ی سیصد و پنجم (زندگانیِ تهی از بیم)..... [۱۱۰۳]
- کرده‌ی سیصد و ششم (بقاء و تجاتِ مردم)..... [۱۱۰۵]
- کرده‌ی سیصد و هفتم (متعالی‌ترین و بدترین چیز برای مردم)..... [۱۱۰۷]
- کرده‌ی سیصد و هشتم (درخواست از مینویان برای یاریِ مردم)..... [۱۱۰۸]
- کرده‌ی سیصد و نهم (فره‌ی یزدانیِ مردم و فره‌ستیزیِ ضحاک)..... [۱۱۱۰]
- کرده‌ی سیصد و دهم (هم‌نژاد بودن هر هنرِ اخلاقی با دینِ مزدایی)..... [۱۱۱۲]
- کرده‌ی سیصد و یازدهم (سامان‌دهنده‌ی همه‌ی شادی‌ها و بدرِ همه‌ی رنج)..... [۱۱۱۵]

- کرده‌ی سیصد و دوازدهم (نخستین پیغام آور از سوی اورمزد بر مردم)..... [۱۱۱۶]
- کرده‌ی سیصد و سیزدهم (هم نیرویی دین مزدایی و خرد خدادادی)..... [۱۱۱۸]
- کرده‌ی سیصد و چهاردهم (منشأ اولیه‌ی طینت نکو و نانکو)..... [۱۱۲۱]
- کرده‌ی سیصد و پانزدهم (شرط سود دهی سخن سخنگوی فرزانه به نبوشده‌ی سخن)..... [۱۱۲۳]
- کرده‌ی سیصد و شانزدهم (مرگ‌پذیری جان از بهر بازداشتن تن از خوراک و نوشاک)..... [۱۱۲۵]
- کرده‌ی سیصد و هفدهم (دلیل فناپذیری و فناپذیری تن مردم)..... [۱۱۲۷]
- کرده‌ی سیصد و هجدهم (علت قدرت شگرف مرگ)..... [۱۱۲۹]
- کرده‌ی سیصد و نوزدهم (آرزورمندان پیروزی فرجامین سپندمینو بر زدارمینو)..... [۱۱۳۱]
- کرده‌ی سیصد و بیستم (پاداش برتر نیکان را پاس داشتن و نواختن)..... [۱۱۳۲]
- کرده‌ی سیصد و یکم (شرط اثر کردن آفرین و نفرین)..... [۱۱۳۴]
- کرده‌ی سیصد و دوم (سه گونه‌ی روا یا ناروای پادشاهی)..... [۱۱۳۶]
- کرده‌ی سیصد و بیست و سوم (شادی و رنج ثابت و ناپایدار)..... [۱۱۳۹]
- کرده‌ی سیصد و سی و چهارم (فرجام سپردن شهریار به شهریار نیک یا نابکار)..... [۱۱۴۰]
- کرده‌ی سیصد و سی و پنجم (نشانه‌هایی در دین مزدایی که نشان از گفتار اورمزدی دارد)..... [۱۱۴۱]
- کرده‌ی سیصد و سی و ششم (تنه‌آواران زمانه از رهگذار زور میتری به دست شهریار)..... [۱۱۴۲]
- کرده‌ی سیصد و سی و هفتم (علت افتراق در مردم و دیوان)..... [۱۱۴۵]
- کرده‌ی سیصد و سی و هشتم (هرمان رامش سزار شهریاران)..... [۱۱۴۷]
- کرده‌ی سیصد و سی و نهم (برتر بودن روی دانی بر تاخت اهریمنی)..... [۱۱۴۹]
- کرده‌ی سیصد و سی و دهم (هستی‌روشنایی و تاریکی)..... [۱۱۵۴]
- کرده‌ی سیصد و سی و یکم (مشخصه‌ی آرتشتاری و ساسانازی آسرونی و آشموعی)..... [۱۱۵۵]
- کرده‌ی سیصد و سی و دوم (دو هر مدیریت اورمزدی و اهریمنی)..... [۱۱۵۶]
- کرده‌ی سیصد و سی و سوم (منشأ و شیوه‌های پیدایی بهدینی)..... [۱۱۵۸]
- کرده‌ی سیصد و سی و چهارم (نیروی نگهدارنده و دوررانده‌ی قره‌زدانی)..... [۱۱۶۰]
- کرده‌ی سیصد و سی و پنجم (سه قوای برترین در جهان)..... [۱۱۶۱]
- کرده‌ی سیصد و سی و ششم (سرآمد فضایل اخلاقی و سرکرده‌ی ردائیل ضد اعدای)..... [۱۱۶۴]
- کرده‌ی سیصد و سی و هفتم (هفت جستار درباره‌ی دین مزدایی)..... [۱۱۷۲]
- کرده‌ی سیصد و سی و هشتم (دین بورویکشان و دین آشموعی)..... [۱۱۷۴]
- کرده‌ی سیصد و سی و نهم (توانایی هر کس در رهایی از فساد اخلاق و کسب پارسایی)..... [۱۱۷۷]
- کرده‌ی سیصد و چهارم (برهنه نبودن و گشادگشاد راه نرفتن، برترین چاره است)..... [۱۱۷۹]
- کرده‌ی سیصد و چهل و یکم (راه و روش بهدینی و کزدینی)..... [۱۱۸۱]
- کرده‌ی سیصد و چهل و دوم (آن چیزهایی که برای رواج دین واجب است)..... [۱۱۸۳]
- کرده‌ی سیصد و چهل و سوم (سرآمدترین و بدترین مردمان)..... [۱۱۸۹]
- کرده‌ی سیصد و چهل و چهارم (آنچه در آن برابر پسند دین، می‌باید اراده‌ی استوار داشت)..... [۱۱۹۱]
- کرده‌ی سیصد و چهل و پنجم (شش مصیبت سهمگین که در هزاره‌ی زرتشت بر سر دین آمد)..... [۱۱۹۲]
- کرده‌ی سیصد و چهل و ششم (همراستایی خرد خدادادی و بهدین)..... [۱۱۹۴]
- کرده‌ی سیصد و چهل و هفتم (بهترین و بدترین روزگاران)..... [۱۱۹۵]
- کرده‌ی سیصد و چهل و هشتم (سرنوشت آن مرد نیک گرفتار در میان بدترینگان)..... [۱۱۹۷]
- کرده‌ی سیصد و چهل و نهم (بقاء دستگاه شهریار فقط از رهگذار دین)..... [۱۱۹۹]
- کرده‌ی سیصد و پنجاهم (این استوار شهریار و رهایی مردم از دوزخ)..... [۱۲۰۳]
- کرده‌ی سیصد و پنجاه و یکم (مردم می‌توانند بخشایش‌های یزدان و شهریاران را از آن خویش کنند)..... [۱۲۰۵]
- کرده‌ی سیصد و پنجاه و دوم (گوناگونی رفتار دانا و جاهل از نظر رسیدن لطف یزدانی)..... [۱۲۰۷]

- کرده‌ی سبب و پنجاه و سوم (میل به اعتدال و میل به افراط و تقریط)..... [۱۲۱۰]
- کرده‌ی سبب و پنجاه و چهارم (سه اندرزِ جیمِ پشیمان از گناه به مردمان)..... [۱۲۱۲]
- کرده‌ی سبب و پنجاه و پنجم (نگهدارنده و دورراندنده فرّه یزدانی)..... [۱۲۱۴]
- کرده‌ی سبب و پنجاه و ششم (ذات و ملاطِ فرّه یزدانی و شیوه‌ی ظهورِ آن)..... [۱۲۱۵]
- کرده‌ی سبب و پنجاه و هفتم (دارایی و پادشاهی مردم، و سود و زیان‌اش)..... [۱۲۱۸]
- کرده‌ی سبب و پنجاه و هشتم (آن کاری را که مردم شخصاً باید انجام دهند)..... [۱۲۲۰]
- کرده‌ی سبب و پنجاه و نهم (پی‌آمدِ سرفتِ فرّه یزدانی و کوچک‌شمردنِ آن)..... [۱۲۲۳]
- کرده‌ی سبب و شصتم (حمایت و مراقبت مخلوقات از فرّه یزدانی)..... [۱۲۲۵]
- کرده‌ی سبب و شصت و یکم (کاست و افزودِ ارج‌مندی مردم)..... [۱۲۲۶]
- کرده‌ی سبب و شصت و دوم (ماهیتِ تکوین و تکوینِ توانمان)..... [۱۲۲۹]
- کرده‌ی سبب و شصت و سوم (هشت جستارِ دوباره‌ی فرّه یزدانی)..... [۱۲۳۵]
- کرده‌ی سبب و شصت و چهارم (سودِ برخاسته از سخنِ عاقلانه را سویِ خود کشیدن)..... [۱۲۳۸]
- کرده‌ی سبب و شصت و پنجم (منشأِ مینویِ ایجادِ آفرینشِ گیتی)..... [۱۲۴۰]
- کرده‌ی سبب و شصت و ششم (شرطِ حیات و فناءِ فرّه یزدانی)..... [۱۲۴۷]
- کرده‌ی سبب و شصت و هفتم (چهار جستار در سود و زیانِ روشنایی و تاریکی)..... [۱۲۴۹]
- کرده‌ی سبب و شصت و هشتم (به راستن به موقع یزدان برای سرکوبِ اهریمن)..... [۱۲۵۳]
- کرده‌ی سبب و شصت و نهم (تفویضِ عَرَضی)..... [۱۲۵۵]
- کرده‌ی سبب و هفتادم (دو قدرِ مبین که در ازاول تا آخر خلقت رقم زده است)..... [۱۲۶۰]
- کرده‌ی سبب و هفتاد و یکم (تعیین و آفریدنِ آفرینش و نیرویِ شان)..... [۱۲۶۲]
- کرده‌ی سبب و هفتاد و دوم (سه مَهرِ اعتقادِ دینِ مری)..... [۱۲۶۵]
- کرده‌ی سبب و هفتاد و سوم (ذاتِ دینِ اورمزدی دینِ اوستایی پوششِ مرونیِ شان)..... [۱۲۶۷]
- کرده‌ی سبب و هفتاد و چهارم (سه دروج که در دم زایش بر مردم جهان می‌آغازند)..... [۱۲۶۹]
- کرده‌ی سبب و هفتاد و پنجم (نمادنشانِ چیزها و داوریِ دوباره‌شان)..... [۱۲۷۱]
- کرده‌ی سبب و هفتاد و ششم (انواعِ آتش و دود و غدیت و ارتباطِ آن)..... [۱۲۷۴]
- کرده‌ی سبب و هفتاد و هفتم (سنگین‌ترین دروغ‌بافی زدارِ مینو و مدیریتِ برینِ پندمن)..... [۱۲۷۶]
- کرده‌ی سبب و هفتاد و هشتم (ارزشِ قدرتِ نیرویِ شناختِ هر دو مینویِ متضادِ جهان)..... [۱۲۷۸]
- کرده‌ی سبب و هفتاد و نهم (خواصِ آفرینش و خلقتِ سپندمینو و پادِ آفرینش زدارمین)..... [۱۲۷۹]
- کرده‌ی سبب و هشتادم (رفتن و پیوستنِ آفریده‌ها به فرشگردِ حتی تحتِ پشیره‌گریِ اهریمن)..... [۱۲۸۱]
- کرده‌ی سبب و هشتاد و یکم (شرطِ خوشنودیِ تمام و کمالِ مردم)..... [۱۲۸۴]
- کرده‌ی سبب و هشتاد و دوم (قدرت‌مندترین در میانِ آفریدگان)..... [۱۲۸۷]
- کرده‌ی سبب و هشتاد و سوم (حقیقتِ دو اصلِ اولیه‌ی بی‌نیاز از اصل)..... [۱۲۹۰]
- کرده‌ی سبب و هشتاد و چهارم (مأمنِ ثواب و تاریک‌سرایِ گناه)..... [۱۲۹۳]
- کرده‌ی سبب و هشتاد و پنجم (دلیلِ بهره‌مندیِ الهیِ مردم در انجامِ دادن یا ندادنِ گناه)..... [۱۲۹۷]
- کرده‌ی سبب و هشتاد و ششم (دینِ تصفیه‌نشده از آیینِ یزدانی یا دیوی)..... [۱۳۰۰]
- کرده‌ی سبب و هشتاد و هفتم (نگرش، اندازهِ سنجی و معیارِ گزینشِ دین و شهریارِ)..... [۱۳۰۲]
- کرده‌ی سبب و هشتاد و هشتم (ذبحِ غیرِ شرعی و ذبحِ شرعی)..... [۱۳۰۵]
- کرده‌ی سبب و هشتاد و نهم (هفتِ تعالی که از جهانِ مینویِ بهره‌ی کی‌یشتاسپ شده‌است)..... [۱۳۰۷]
- کرده‌ی سبب و نودم (فراوانیِ دهنده و رنجِ مرگِ آورِ جهان)..... [۱۳۱۲]
- کرده‌ی سبب و نود و یکم (راهِ باسماانِ شدن و آشفته شدنِ فضایلِ اخلاقی)..... [۱۳۱۷]
- کرده‌ی سبب و نود و دوم (آنی که دلیلِ بودنِ اش پس از بروز در فهمِ دانسته می‌شود، و بازگشته)..... [۱۳۲۵]
- کرده‌ی سبب و نود و سوم (خاستگاهِ نکوکاری و زشت‌کرداریِ مردم)..... [۱۳۲۹]

سخن گزارشگر

این دفتر، ترجمه‌ی دینکرد سوم است و گزارش همه‌ی آن چیزی است که تا کنون از آن کتاب فهمیده‌ام و توانسته‌ام گزارش کنم: هم در واژه‌شناسی و هم در جمله‌شناسی. هنوز بسیاری واژه‌های خوانده نشده یا با قرائت شک‌پذیر و هم بسی جمله‌های مبهم هست که تن به فهم و ترجمه نمی‌دهند.

در این ترجمه، کوشیده‌ام تا جایی که بشود از چینش (خنجور) واژه‌ها در جمله‌بندی متن پهلوی پیروی کنم ولی در ترجمه و برابرگزینی، واژه‌سازی من‌عندی پرهیخته‌ام و از دستگاه واژگانی معتاد و مرسوم پیروی کرده‌ام.

از این رو، در این دفتر، تا آن‌جا که بشود، ترجمه‌ی واژه‌به‌واژه نزدیک به نحو پهلوی ارائه می‌شود، هر چند سربه‌سر چنین ترجمه‌ای ممکن نیست؛ زیرا برای دست‌یابی به ترتیب صفت و موصوف و مضاف و مضاف‌الیه در فارسی امروز با پهلوی متفاوت است. اما روی هم رفته این گونه ترجمه به‌کار خواننده متن پهلوی می‌آید و زبان‌شناسان و پژوهندگان نامه‌های پهلوی را سودمند افتد.

اگر بخواهیم دقت‌های هر ویتیکی از ترجمه‌ی واژه‌به‌واژه ارائه دهیم، چنین ترجمه‌ای، البته اگر پرسون، فرسخت و دقیق باشد، به متن فرصت می‌دهد خود سخن‌گفتار را به گونه‌ای که در نگاه هرمنوتیک، ترجمه‌ی معناتیک، به مترجم فرصت می‌دهد از زبان متن سخن بگوید.

- از آن‌جا که، زبان فارسی امروز، گسترش همان واژه‌هاست از کسوت پیشین آن، از این رو، از متن‌های پهلوی به‌جز ترجمه‌های معناتیک، بهتر است ترجمه‌هایی واژه‌به‌واژه نیز در دسترس پژوهندگان باشد و این، به محقق زبان‌های باستان و دانشجویان این رشته، زمانک (=فرصت) آن را می‌دهد تا به بافت سخن نویسنده یا نویسندگان، نزدیک شوند.

دیگر این که، بسا خواننده پرسد با آنکه آوانویسی سرتاسری دینکرد سوم، در دفتری جداگانه به همراه متن پهلوی نوشته و چاپ و پخش شده است، چرایی بازنویسی دوباره‌ی آوانویسی در این دفتر، به همراه ترجمه در جیست؟ پاسخ این است که، آوانویسی در آن دفتر جداگانه، گزارش دینکرد سوم است آن گونه که به ما رسیده است و قرائت کرده‌ایم.

آوانویسی در این دفتر در دست، به همراه ترجمه، مبتنی بر بازسازی متن پهلوی است آن گونه که پژوهش کرده‌ام و آن گونه که متن را بازساخته‌ام. که می‌تواند مقدمه‌ای برای بازسازی آرمانی دینکرد باشد شاید به دست کسی دیگر.

در واقع، ترجمه‌ی این دفتر، نه بر مبنای دینکرد آن گونه که به زمانه‌ی ما رسیده است، بلکه آن گونه که متن را نخست، بازساخته و سپس ترجمه را بر مبنای متن بازسازی شده پی گرفته‌ام، می‌باشد. هر چند در این بازسازی، از بازسازی‌های سنجانا، دومناس، وست، منصور شکی، زرن، ماریان موله و دیگرها موسعاً بهره برده‌ام و کمک گرفته‌ام.

این ترجمه، نه تنها پایان کار یا نزدیک به پایان ترجمه‌ی دینکرد سوم نیست که فقط کاری آغازین است و همه‌ی آن چیزی است که تا کنون از دینکرد سوم فهمیده و کوشیده‌ام فهم خود را گزارش کنم.

از این رو، در آینده هرگاه کس یا کسانی بخش‌ها یا همه‌ی دینکرد سوم را ترجمه و گزارش کنند از آن ترجمه و گزارش‌ها هم برای فرساختن (=تکمیل) این کار بهره خواهیم برد.

دیگر اینکه، پژوهش بن‌نوشت‌های پهلوی-اوستایی، می‌تواند از نگرگاه‌های متفاوت و جداسانی پی گرفته شود:

از بررسی تاریخ تکامل زبان فارسی گرفته تا ریشه‌شناسی واژگان زبان، از اسطوره‌شناسی ایرانی تا دین‌شناسی تطبیقی، از خاستگاه‌شناسی تاریخ تا تکامل دین‌دانشی (=فقه / شناخت دادِ دین) و نیز فقه تطبیقی و غیره.

ترجمه‌ی در دست، نه از نگرگاه زبان‌شناسی، بلکه از نگرگاه روزگارپژوهشی اندیشه (=تاریخ فلسفه) در ایران‌زمین و هم‌سنجی (=تطبیق) آن با فلسفه‌ی یونان باستان آغاز و انجام گرفته است. از این رو، از نگاه زبان‌شناسی بسی کزی‌ها و کاستی‌ها و ناراستی‌های فنی (=تکنیکی / تشنیک‌ی) در این کار هست که نیازمند گوشزد استادان فن است.

جای آن است سخنی چند در باره‌ی دشواری ترجمه از متن‌های پهلوی به زبان آید:

شرایط ویژه‌ی خط پهلوی از یک سو، و تخریب سهمگینی که به روزگاران، بر سر متن‌های پهلوی رفته است، چه کام‌خواسته (=عمدی) و چه نه کام‌خواسته (=غیر عمد)، خواندن و ترجمه‌ی متون پهلوی را بی‌اندازه مشکل کرده است. ویژه آن که، بازنویسی هر از گاه این متون و نسخه‌برداری از آن‌ها یا حتی پیدایش بلایای اجتماعی در گذر سده‌ها و سالیان، به تخریب متن دامن زده‌اند. تاجایی که پژوهندگان این دست، در متن با حجم بالای واژه‌های خوانده نشده روبه‌روی‌اند و کار گزارش متن‌های پهلوی سخت و طاقت فرسا می‌شود.

از نظر نوشتارشناسان (=مناشی)، هیچ روایت و هیچ بندی از دینکرد نیست که دچار آسیب دیدگی یافتن سخن (=متن) نشده باشد. رونویس کنندگان (=نسخه‌برداران و نسخه‌نویسان) سده‌ها و سالیان دینکرد، هر جا به کژنویسی خود آگاهی یافته‌اند، بی‌درنگ، کوشیده‌اند که فرایش واژه اعبات کژسته، صورت املائی درست‌تر واژه را البته به گمان خود، دوباره نویسی کنند. عملی که به تاریخ‌تر کردن معنای متن افزوده است.

نکته‌ای که، در بازیابی، بازشناسی و تشریح متن، کار را به هیستان‌شناسی (=معماشناسی) متن ترا برده است.

ساختمان هجاشناختیک و واج‌شناختیک زبان پهلوی، گونه‌ای است که کوچک‌ترین فراز و فرود و نوسان در بافتار نگارشی یک واژه می‌تواند بافتارهای آوایی و واژگانی پیچیده و نیز معنایی گوناگونی را فرا آفریند، و در پی، گزارنده‌ی نوشتارگان پهلوی، و نیز، قرائت و خوانش واژه‌های کژنوشته را با آلترناتیوهای بس گوناگون، روبرو می‌سازد.

بهره‌گیری نویسنده‌گان نامه‌های پهلوی، از دستگاه نقطه‌گذاری و خط‌ها و کم‌دکانه، به ناتوانی مصححی که از بد حادثه به درست‌گردانی و تصحیح بن‌نوشت‌های پهلوی رو آورده است، دامن می‌زند. هر چند عاملی با چند عامل دیگر، می‌تواند کوشش و جوشش این دسته از گزارشگران را بی‌فرجام‌تر کند، و به بازشناختن سر و به یکجا، پرده‌ای از گمان و دودلی افکند. و همیشه، ترا-زبانی (=ترجمه‌ی) این دسته از نوشتارها را گمانمندتر سازد، و بر بی‌ارجی کار گزاران، بیفزاید.

درست است که بسیاری از افعال، اسم‌ها و حروف زبان پهلوی، با تراسی (=تحولات) آوایی و هم، معنایی، به فارسی امروز اندر شده‌اند، ولی گزارشگر امروزی از ما به آراهای واقعی امروزی آن‌چه از پهلوی به فارسی امروز اندر شده بی اطلاع است. نمونه، نام‌واژه‌های سپاس و ستایش و نیاز و یزش است. آیا سپاس همانی است که امروز شکرگزاری می‌گوییم؟ ستایش همانی است که امروز تمجید می‌گوییم؟ نیایش همانی است که امروز دعا و ندبه می‌گوییم؟ یزش همانی است که امروز دعای تقدیس و دعای برکت‌دهی می‌گوییم؟ بر فرض که برابرای درست آن‌ها را یافتیم، شیوه و سبک برگزاری آن‌ها درست و سراسرست چگونه بوده است؟ یا حتی آیا مراسم امروزی به‌دینان راه‌گشای دادن تصویری درست از اجرای آن نام‌واژه‌هاست؟ هیچ نمی‌دانیم.

گرد آمدن همه‌ی این فرایچیدگی‌ها، کار را بر گزارندگان پیش‌گفته سخت‌تر، و فرجام را دست‌نیافتی‌تر می‌سازد.

از این رو، در ترجمه‌ی دینکرد سوم، چاره‌ای نداشته‌ام تا به نحو گسترده و موسعی، از پرانتز گوشه‌دار بهره گیرم تا ترجمه را به شرح نزدیک کنم تا شاید از ابهام و تاریک‌سانی سنگین متن پهلوی بکاهم. و نیک می‌دانم در این کار به افراط گراییده‌ام آن هم از بسیاری ناچاری.